

# عدالت، عدالت اسلامی و سهام عدالت

دکتر صادق بختیاری\*

## چکیده

عدالت از مفاهیم آرمانی است که بشر از ابتدای تاریخ تمدن نسبت به آن شناخت اجمالی داشته و برای برقراری آن کوشیده است. از دید بسیاری از صاحب نظران، عدالت، فضیلت و حتی منبع و ریشه همه فضایل است، به طوری که برخی عدالت را در یک کفه و فضایل و ارزش‌های دیگر را در کفه دیگر قرار داده‌اند.

در این مقاله مفهوم عدالت از منظر فلاسفه قدیم یونان و فیلسوفان معاصر غرب مورد بررسی اجمالی قرار گرفته و عدالت اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی نیز در استفاده بهینه از منابع و امکانات، نبودن فقر و نیاز مادی و توسعه اقتصادی و اجتماعی خلاصه شده است. در قانون اساسی نیز عدالت به عنوان هدف اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آن نیز تماماً با دغدغه عدالت و به منظور تحقق آن مطرح شده‌اند. این مقاله بحث سهام عدالت را نیز مورد بررسی قرار داده و به دلایل مختلف نتیجه‌گیری نموده است که اجرای این طرح می‌تواند مفهوم ارزشی و مقدس عدالت اقتصاد اسلامی را خدشه‌دار نماید و از این رو پسوند عدالت را برای این سهام مناسب نمی‌بیند.

## واژگان کلیدی

عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت مبادله‌ای، عدالت توزیعی، سهام عدالت

\* مدیر گروه پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان. Email: Bakhtiari@csr.ir  
تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

## ۱- مقدمه

واژه عدالت که احتمالاً برای اولین بار در زبان یونانی مورد استفاده قرار گرفته، معادل کلمه «Dike» به معنی راه و جاده است که در زبان فارسی به حق و عدالت و در زبان انگلیسی به right و justice ترجمه شده است (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸) در ادبیات یونان باستان این لفظ با مفهوم وضعیت طبیعی «State of Nature» بدون توجه به محتوای اخلاقی آن به کار می‌رفت. (Guthrie, 1967, p. 4) به مرور با توسعه جامعه یونانی واژه "عدالت" به شیوه‌ای که هر فرد در طبقه خود باید بر آن روال رفتار نماید اطلاق گردید. به عبارت دیگر عدالت به مفهوم رفتار مطابق با ضوابط و اصول تغییر یافت. ولی اینکه ضوابط و اصول کدام‌اند و منشأ این اصول چه باید باشد، از موضوعات مشکل و بحث بر انگیزی شد که بحث بر سر آن هنوز ادامه دارد.

در این مقاله ابتدا عدالت، از منظر فیلسوفان یونان باستان و دانشمندان معروف معاصر غیر مسلمان مورد بحث قرار گرفته و سپس نظریه اقتصاد اسلامی در خصوص عدالت ارائه شده است. ابعاد اقتصادی عدالت در تئوری اقتصاد اسلامی، استفاده بهینه از

منابع و امکانات، نبودن فقر و نیاز مادی و عمران و توسعه معرفی شده است.

همچنین در این مقاله، توضیح داده شده که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدالت به عنوان یک هدف اساسی معرفی و تفکیک بخش‌های آن با دغدغه عدالت صورت گرفته و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز با توجه به مطالب مذکور در ذیل این اصل و مفاد اصل ۴۳ نیز تماماً در همین راستاست.

گرچه در آیین نامه اجرایی طرح توزیع سهام عدالت، از جمله اهداف این طرح، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، و کاهش فاصله طبقاتی بین اقشار کم درآمد و مرفه عنوان شده، ولی در این مقاله ضمن توضیح و تحلیل سهام عدالت و بیان اشکالات وارده نتیجه گرفته شده است که استفاده از واژه مقدس عدالت برای سهام چنين طرحی می‌تواند مفهوم مقدس عدالت را خدشه‌دار نماید و موجب بی اعتباری این نهاد ارزشی اسلامی گردد.

## ۲- عدالت از منظر فلاسفه یونان باستان و اندیشمندان معاصر غیر مسلمان

افلاطون در کتاب جمهور، به عنوان اولین فیلسوف باستانی، بحث مفصلی درباره

است که انسان فقط باید به کار خود بپردازد.» (افلاطون، ۱۳۶۸، ص ۲۳۶)

از دیدگاه افلاطون فرد و شهر (به عنوان مظهر جامعه) شباهت‌های فراوان دارند و منظور از شهر، شهر ایده آل و مطلوب است. از نظر او، نفس انسانی دارای سه جزء عقل، روح و امیال است، همان‌طور که شهر نیز سه گروه شهروند دارد: قانونگذاران، حافظان نظم و امنیت جامعه و دیگران (کسانی که کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه را فراهم می‌کنند از قبیل کشاورزان، صنعتگران، هنرمندان، بازرگانان و ...). فضیلت اصلی هم برای فرد و هم برای جامعه عدالت است. عدالت برای نفس یعنی عمل کردن مطابق اخلاق و برای شهر یعنی عمل کردن افراد بر اساس وظایفی که برای آنها تعیین شده است. بر اساس نظر افلاطون، وظایف شهروندی یا بر اساس طبیعت است و یا بر مبنای قانون

در فلسفه سیاسی، ارسطو تحلیلی ملموس‌تر از عدالت عرضه می‌کند و معیار اصلی او در مورد عدالت این است که با برابرها رفتاری برابر و با نابرابرها رفتاری نابرابر داشته باشیم. به بیان خود ارسطو "اجماع مردان بر این است که دادگری از برابری بر می‌خیزد و نیز همه ایشان با پژوهش‌های فلسفی که حاوی احکامی درباره

عدالت دارد. به نظر افلاطون عدالت یعنی اینکه در فرد قوای مختلف و در جامعه هر کسی و هر طبقه‌ای در جای خود قرار گیرد.

(Guthrie, 1967, p. 6)

افلاطون عدالت را در سطح خرد و سطح کلان هر دو مورد بررسی قرار داد و از نظر او عدالت در سطح خرد یعنی اینکه اجزای سه‌گانه روح انسان تحت فرمان عقل او هماهنگ عمل کنند و عدالت در سطح کلان یعنی اینکه هر فرد در طبقه خودش با توجه به غلبه این یا آن قوه وظیفه خاصی داشته باشد. بنا به گفته خود او:

«ما در آغاز کار، که شالوده شهر خود را می‌ریختیم، یک اصل کلی مقرر داشتیم که اگر خطا نکنم، آن اصل یا لاقبل نوعی از آن اصل همانا عدالت است. و ما این‌طور گفتیم و چنانچه به یاد داشته باشی، بارها هم تکرار کردیم که هر فرد در شهر ما باید منحصرأ یک کار داشته باشد یعنی کاری که طبیعت او برای آن استعدادی خاص داشته باشد گفت درست است. گفتیم ما بارها گفته و شنیده‌ایم که پرداختن به کار خود و پرهیز از دخالت در کار دیگران عین عدالت است. گفت راست است. گفتم ای دوست ظاهراً عدالت یک چنین چیزی است، یعنی این

اخلاقیات است هم‌داستان‌اند و برآن‌اند که دادگری، هم کسان و هم چیزهای آنان را در برمی‌گیرد و از این رو، کسان برابر باید چیزهای برابر داشته باشند، ولی برابری و نابرابری در چه خصایصی جلوه می‌کند؟" (ارسطو، ۱۳۷۱، ص ۱۳۲)

از دید ارسطو، هر امری هدفی خاص دارد که غرض از وجود آن است و هدف خاص انسان دستیابی به سعادت حقیقی است و عدالت را نیز در همین ارتباط مورد بحث قرار می‌دهد، عدالت در فرد رساندن فرد به وضعیتی هماهنگ و معین و عدالت در جامعه یعنی تناسب میان اعضاء جامعه در برخورداری از ارزش‌هاست.

ارسطو تقسیم‌بندی دیگری از عدالت اقتصادی را نیز مطرح می‌کند که بعدها در قرون وسطی بسط و تفصیل بیشتری داده شده و آن عدالت مبادله‌ای<sup>۱</sup> است؛ عدالتی که در مبادلات دنبال می‌شود تا مبادلات به قیمت عادلانه<sup>۲</sup> انجام پذیرد. در این ارتباط قیمت عادلانه قیمتی است که به تولیدکننده هر کالا پاداشی مشابه و متناظر افرادی با سطح مهارت و با نوع مشابه اشتغال تأمین نماید. ارسطو معتقد است که قیمت عادلانه به

صورت اجتماعی تعیین شده و مبادله مستقلاً در تعیین آن نقشی ندارد.

منظور ارسطو از عدالت توزیعی<sup>۳</sup>، توزیع عادلانه کالا در خدمت میان افراد جامعه است. برای این منظور خانواده باید درآمد متوسطی برای تأمین زندگی خود و بهره‌مندی از کالاهای جامعه را داشته باشند (Mc Phorsan, 1987, p.8).

به بیان دیگر مقصود از عدالت مبادله‌ای تعادل میان دو عوض در مبادله است، به گونه‌ای که یکی از دو طرف قرارداد نتواند به بهای فقر دیگری ثروتمند شود. این مفهوم از عدالت خود به خود در قرارداد به دست می‌آید، ولی ضمانت اجرای آن جبران خسارتی است که زیان‌دیده را به وضع متعادل بازگرداند و برابری را تأمین کند. عدالت توزیعی مربوط به تقسیم ثروت و مناصب اجتماعی است و ناظر به زندگی عمومی و نقش دولت است.<sup>(۱)</sup>

کاتوزیان (۱۳۷۶) معتقد است که به نظر ارسطو، عدالت دارای دو معنی خاص و عام است. عدالت به معنای عام شامل تمام فضائل است، زیرا هر کس به کار ناشایسته‌ای دست زند، ستم کرده است. سعادت واقعی از آن کسی است که بافضیلت باشد و از

1. Commutative Justice  
2. Just Price

3. Distributive - Justice

که باعث اشتها روی شد، کتاب معروف "نظریه‌ای از عدالت"<sup>۴</sup> اوست. این کتاب سال‌هاست که مهم‌ترین کتاب نگارش یافته در خصوص مسئله عدالت است و شاید حجم معرفی‌ها، شرح‌ها و نقد‌هایی که در رابطه با این کتاب نوشته شده است، با هیچ کتاب فلسفی دیگری قابل مقایسه نباشد.

از نظر راولز، عدالت عبارت است از حذف امتیازات فاقد دلیل و ایجاد تعادل واقعی در میان خواسته‌های متفاوت انسان‌ها در ساختار یک نهاد اجتماعی. به بیان دیگر «موضوع اصلی عدالت، ساختار اساسی جامعه و یا دقیق‌تر شیوه‌ای است که نهادهای مهم اجتماعی حقوق و وظایف اساسی را توزیع نموده و چگونگی تقسیم مزایای حاصل از همکاری اجتماعی را تعیین می‌کنند» (Rawls, 1986, p.8). راولز ایده اصلی خود را چنین بازگو می‌کند که هدف من ارائه برداشتی از عدالت است که تئوری قرارداد اجتماعی را که لاک و روسو و کانت معرفی نموده‌اند، تعمیم دهد.

راولز (۱۹۵۴) در مقاله عدالت «عدالت به مثابه انصاف» اندیشه اساسی عدالت را انصاف می‌داند و به دلیل همین مطلب است که فایده‌گرایان نتوانسته‌اند توجیه مناسبی

دستورهای عقل اطاعت کند و فضیلت انسان دو آفت بزرگ دارد: افراط و تفریط، که بایستی از هر دو پرهیز کرد. میانه‌روی و اعتدال میزان تشخیص رداییل از فضایل است... عدالت به معنای عام تقوای اجتماعی است، عدالت به معنای خاص کلمه برابر دانستن اشخاص و اشیاء است. هدف عدالت همیشه تأمین تساوی ریاضی نیست، مهم این است که بین سود و زیان و تکالیف و حقوق اشخاص، تناسب و اعتدال رعایت شود پس در تعریف عدالت می‌توان گفت «فضیلتی است که برحسب آن باید به هرکس آنچه را که حق اوست داد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۳۷)

از فیلسوفان متأخر که در باره عدالت نظریه ارائه داده اند، می‌توان از جان راولز یاد نمود. برخی راولز را مهم‌ترین فیلسوف انگلیسی‌زبان قرن بیستم می‌دانند. به اعتقاد دورکین، فیلسوف معروفی که خود از صاحب‌نظران معاصر عرصه عدالت است، می‌گوید چه در بریتانیا و چه در امریکا ارجاع به راولز در مباحث دانشگاهی مرتبط با عدالت الزامی است (برایان مگی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۴). برایان مگی تأثیر راولز را در مباحث مربوط به عدالت امری چشمگیر، بسیار عجیب و استثنایی می‌داند. مهم‌ترین اثر راولز

برای آن ارائه کنند. در نظریه عدالت به مثابه انصاف، وضعیت اولیه مبتنی بر برابری، همان نقشی را بازی می‌کند که وضعیت طبیعی در نظریه‌های قرارداد اجتماعی بازی می‌کرد. واضح است که این وضعیت اولیه به عنوان یک وضعیت واقعی که در تاریخ بتوان مشابه آن را یافت، مورد نظر نیست، بلکه وضعیتی کاملاً فرضی است که از این طریق می‌توان به تصور معینی از عدالت رسید.

یکی از خصوصیات اصلی وضعیت اولیه آن است که در آن هیچکس جایگاه، طبقه و موقعیت خود را در جامعه نمی‌داند و از میزان استعدادها، فطری و طبیعی خود مانند شعور و استعداد و دیگر توانایی‌های جسمی، فکری آگاه نیست و افراد در پشت یک پرده عدم شناخت<sup>۵</sup> قرار دارند و از آنجا که همه در موقعیت مشابهی به سر می‌برند و هیچکس نمی‌تواند آغازهای را ببیند که بر پایه ویژگی‌های شخصی او امتیازی برایش به حساب آید، بنابراین وضعیت اولیه عموم در این سناریو یکسان و منصفانه است. (Rawls

1986, p. 251)

راولز مفهوم کلی عدالت به مثابه انصاف را مستلزم آن می‌داند که همه کالاهای اولیه اجتماعی از قبیل حقوق، آزادی‌ها، درآمد،

ثروت، فرصت‌ها و شرافت انسانی به طور برابر توزیع شود، مگر آنکه توزیع نابرابر مزیت بیشتری را برای پایین‌ترین قشر جامعه داشته باشد. راولز میانی عدالت را که انسان‌ها می‌توانند در وضعیت اولیه بر سر آنها توافق کنند، در دو اصل زیر معرفی می‌کند:

اصل اول، هرکس می‌باید از حقوق مساوی در گسترده‌ترین سیستم از آزادی‌های بنیادین برابر که با سیستم مشابه برای همه افراد دیگر سازگار باشد، برخوردار گردد.<sup>۶</sup> اصل دوم، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای سامان داده شود که: الف) بیشترین منافع را برای محروم‌ترین گروه‌های جامعه داشته باشد. ب) مناصب و موقعیت‌ها باید برای همه در شرایط برابری منصفانه فراهم باشد.<sup>۷</sup>

راولز نفع همگانی را در این می‌بیند که وضعیت محروم‌ترین اقشار جامعه یعنی فقرا بهبود یابد. این مطلب تحت عنوان حداکثر

6. Each Person is to have an equal right to the most extensive scheme of equal basic liberties

compatible with a similar scheme of liberties of others.

7. Social and economic inequalities are to be arranged so that :

a) They are to be of the greatest benefit to the least advantage members of society ( the difference principle)

b) Offices and positions must be open to every one under condition of fair equality of opportunity

5. The Veil of Ignorance

وضوحی دارد که توقع ما این است که بی‌درنگ به ذهن هر کس خطور نماید. بدین ترتیب طرح‌های ذینفع کار خود را با اصلی می‌آغازند که برای همه آزادی برابر مقرر می‌دارد، از جمله برابری فرصت‌ها و نیز توزیع برابر درآمدها و ثروت‌ها. اما وجهی ندارد که قبول این اصل قبول نهایی باشد، اگر در ساختار اساسی نابرابری‌هایی باشد که همه را در مقیاس با معیار برابری اولیه دارای وضع بهتری می‌سازند، چرا آن نابرابری‌ها را جائز ندانیم؟"

به نظر می‌رسد که، با توجه به مطالب فوق، این دو اصل مفهوم قابل قبولی از عدالت را به دست می‌دهد؛ هرچند این مسئله هنوز باقی است که چگونه می‌توان از دو اصل مذکور دفاع نمود. به اعتقاد راولز "تدبیر مفیدی که ما را در کشف روش انجام این کار یاری می‌کند، این است که این دو اصل را راه حل حداکثر - حداقل مسئله عدالت اجتماعی بینگاریم ... قاعده حداکثر-حداقل از ما می‌خواهد که شقوق مختلف را برحسب بدترین پیامدهای ممکن مرتب کنیم؛ ما باید شقی را انتخاب کنیم که بدترین پیامد آن از بدترین پیامدهای سایر شقوق بهتر باشند." (Rawls, 1989, pp.

کردن حداقل<sup>۸</sup> در ادبیات رفاه مورد بحث قرار می‌گیرد. در نظر راولز، تابع رفاه اجتماعی یک تابع وزنی در نظر گرفته می‌شود که در آن وزن بیشتر مربوط است به افراد با درآمد روی خط فقر و کمتر از آن و هدف جامعه به حداکثر رساندن تابع رفاه اجتماعی است.

(Rawls, 1986, p. 303)

با توجه به توضیحات فوق و از دیدگاه نظری، تئوری راولز به این نتیجه می‌انجامد که درآمد باید به طور مساوی توزیع شود، مگر آنکه عدم توزیع مساوی درآمد، رفاه بیشتری ایجاد کند. مثلاً دولت می‌تواند به منظور توزیع عادلانه درآمد از فرد ثروتمند تولید کننده، مالیات بگیرد و با پرداخت یارانه از فرد فقیر حمایت کند، ولی اگر گرفتن مالیات منجر به این شود که فرد ثروتمند تولید خود را متوقف کند و فرد فقیر شغل و درآمد خود را از دست بدهد و دولت نیز از گرفتن مالیات و امکان پرداخت یارانه محروم شود، توزیع ناعادلانه مرجح بر توزیع عادلانه خواهد بود.

به بیان خود راولز، "کار خود پسندی که می‌توان کرد این است که اصلی را به عنوان نخستین اصل عدالت قبول کند که مستلزم توزیع برابر است. در واقع این اصل چنان

فریدریک فون هایک، برنده جایزه نوبل اقتصاد (مشترکاً با گونار میردال) در سال ۱۹۷۴ از مدافعین لیبرالیسم و از جمله خردگرایان فرانسوی است که بیشتر از دکارت الهام گرفته و قدرت نامحدودی برای عقل قائل است. خردگرایان دکارتی معتقدند که نهادهای اجتماعی، ثمره و نتیجه طرح و قصد عامدانه عقل انسان هستند و براین اساس می‌توان این نهادها را به نحو مطلوبی اصلاح کرد و یا به طور کلی آنها را حذف و نهادهای جدید جایگزین آنها نمود. در نگاه هایک نهادهای اساسی تمدن انسانی، از قبیل قواعد اخلاقی، حقوقی، بازار، و ... به صورت تدریجی در بستر تاریخی و به کارگیری منطق آزمون و خطا شکل گرفته و ساز و کارهای ناکارآمد حذف شده‌اند.

عدالت اقتصادی از نظر هایک مبتنی بر یک نظم خودجوش و در نهادهایی از قبیل بازار تجسم می‌یابد. مفهوم نظم خودجوش به صورت درون‌زاست و در مقابل نظم از پیش طراحی شده قرار دارد. مثلاً اقتدارگرایان نظم جامعه را در سایه فرمان و اطاعت و در یک ساختار سلسله‌مراتبی تفسیر می‌کنند. بنابراین، این نوع نظم را نیروهای بیرون جامعه و به صورت برون‌زا ایجاد می‌کنند. هایک در مقابل این نظم، نظمی را مطرح

می‌کند که از درون جامعه نشئت گرفته، نظم کلی جامعه مانند نظم حاکم بر جنگل است که بر مبنای یک حرکت تحولی و تدریجی شکل گرفته و مانند نظم حاکم بر یک سازمان که براساس برنامه‌ریزی قبلی به وجود آمده نیست. (گری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷)

در واقع هایک، هماهنگی و انسجام بین فعالیت‌های اقتصادی را که توسط افراد شکل می‌گیرد، جایگزین عدالت می‌نماید. براساس نظر هایک نظام ارادی طبیعی نوعی هماهنگی منافع افراد را پیش می‌آورد، هر فرد بیشترین زمینه رسیدن به اهدافش را خواهد داشت و در این شرایط رفاه عمومی به حداکثر می‌رسد. (گری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸)

با افزایش رفاه به طور طبیعی تعادل اقتصادی شکل گرفته و در واقع این تعادل اقتصادی محصول منطقی نظم، بازار است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را غیرعادلانه دانست. همچنان که نتیجه نهایی یک مسابقه را که قواعد بازی در آن رعایت شده، نمی‌توان غیرعادلانه به حساب آورد. زیرا فرض بر این است که همه افرادی که در مسابقه شرکت نموده‌اند با آمادگی قبلی و آگاهی از قواعد بازی حاکم بر فعالیت‌های رقابتی وارد میدان شده‌اند و از قبل پذیرفته‌اند که نتیجه این



رقابت هر آنچه باشد، مورد قبول همگان خواهد بود.

بنا به نظر هایک، عدالت در مورد کردار و رفتار اختیاری انسان‌ها مصداق دارد، نه رویدادهای طبیعی که فرد یا افراد مسئولیت آنها را به عهده ندارند، مثلاً نوزادی که معلول به دنیا آمد، یا انسانی که نزدیک‌ترین فرد خود را از دست می‌دهد پدیده ناگوار به حساب می‌آید، ولی چون از تصمیم، اراده و کردار فردی نشئت نگرفته است، ناعادلانه نیست.

« بنابه تعریف عدالت در چارچوب قواعد اختیاری و مسؤولانه فرد یا افراد امکان‌پذیر است. در سطح اجتماعی کردارهای هماهنگ افرادی که در یک سازمان با قصد و نیت قبلی و برای هدفی خاص گرد آمده‌اند، می‌تواند عادلانه یا ناعادلانه باشد. اما نظم‌های اجتماعی خودجوش که شکل‌گیری و عملکرد آنها به اراده افراد خاصی نیست، موصوف به عادلانه و ناعادلانه نمی‌شوند. » (نظری، ۱۳۸۲)

در یک جامعه مبتنی بر نظم خودجوش، تخصیص منابع، توزیع درآمد از طریق مکانیسم قیمت انجام می‌گیرد و با توجه به اینکه بازار رقابتی نظم طبیعی دارد، صفت عادلانه یا غیر عادلانه را درباره نتایجی که به

بار می‌آورد، نمی‌توان به کار برد. نظام قیمت‌ها راهنمای اولویت‌های تولیدی است و از این طریق حداکثر خدمت ممکن را برای بیشترین تعداد افراد فراهم می‌آورد. این نظام هیچ‌گونه هدف مشخص از پیش تعیین شده‌ای را جهت توزیع درآمد نمی‌تواند دنبال کند و در صورتی که دولت با مداخله خود بخواهد یک وضعیت خاص توزیع را به عنوان عدالت اجتماعی دنبال کند، الزاماً کارکرد اطلاع‌رسانی نظام قیمت‌ها را برهم می‌زند و کارایی بازار را از آن می‌گیرد. (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰)

هایک هنگام فهرست کردن نکات اساسی مفهوم خویش از عدالت تأکید می‌کند که :

۱. قواعد عدالت اساساً ماهیتی منفی دارند، به عبارت دیگر بی‌عدالتی مفهوم اولیه و هدف قواعد رفتار عادلانه، پیشگیری و ممانعت از عمل غیرعادلانه است.
۲. آن بی‌عدالتی که باید جلوگیری گرفته شود، تجاوز به حریم انسان‌های دیگر است؛ حریمی که قواعد عدالت باید آن را معلوم و مشخص نماید.
۳. قواعد رفتار عادلانه را که فی‌نفسه منفی و سلبی هستند، می‌توان از طریق اعمال مداوم و منسجم آزمون نمود.

هایک در بحث عدالت اجتماعی آن را معادل مفهوم عدالت توزیعی می‌داند و مخالفتی با دخالت دولت در امر حمایت از افراد تهیدست، حتی به صورت تضمین حداقل درآمد برای آنها ندارد، اما معتقد است که چنین کاری باید حتماً در خارج از چارچوب نظم اقتصادی بازار انجام گیرد تا عملکرد آن را مختل نکند و گرنه نتیجه نهایی نقض غرض خواهد بود.

### ۳- عدالت در اقتصاد اسلامی

به طوری که اشاره شد، عدالت از جمله موضوعات مهم و بحث‌برانگیزی است که از جنبه‌های متفاوت، در مکاتب مختلف در خصوص آن بحث و گفتگو شده است. در اقتصاد اسلامی نیز عدالت جایگاه خاص خود را داشته و از ارکان اساسی آن می‌باشد. در این قسمت تلاش خواهد شد تا ضمن بیان اهمیت عدالت در اسلام آن را از نظر اقتصاد اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهد. مرحوم شهید محمد باقر صدر عدالت را یکی از مبانی سه گانه اقتصاد اسلامی ذکر می‌کند. این اصل در قرآن و سنت پیامبر و گفته‌های معصومین یکی از مبانی بنیادین اسلامی است و بنا به نص قرآن کریم هدف ارسال پیامبران و کتب آسمانی، برپایی عدالت است

(لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط - سوره حدید آیه ۲۶) و یا در آیه ۹۰ سوره نحل خداوند دستور به عدل داده است، ( ان الله یأمر بالعدل ) و در آیه ۸ سوره مائده می‌خوانیم که «یا ایها الذین امنو کونوا قوامین لله شهدا بالقسط ولا یجر منکم شنان قوم علی الا تعدلو اعدلو هو اقرب للتقوی»، یعنی ای گروه مومنان همواره برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، مبادا دشمنی گروهی با شما باعث شود شما به عدالت رفتار نکنید. عدالت پیشه کنید که به تقوی نزدیک‌تر است.

به گفته شهید مطهری « اصل عدالت از مقیاس‌هایی اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود». عدالت در سلسله علل احکام است و نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدالت است، بلکه آنچه عدل است را دین می‌گوید.» (مطهری، بی تا، ص ۱۴)

اهمیت عدالت به آن حد است که بنا به گفته امام علی (ع) جامعه را جز با عدالت نمی‌توان اصلاح کرد (الرعیه لایصلحها الا بالعدل) و یا زنده شدن دین و احکام آن به اجرای عدالت است. (العدل حیات الاحکام). از پیامبر اکرم نقل شده که «عدل ساعه خیر

عدل چه بود؟ آب ده اشجار را  
 ظلم چه بود؟ آب دادن خار را  
 شهید مطهری برای استنباط مفهوم  
 عدالت به مفهوم حقوق طبیعی متوسل  
 می‌شود. او انسان را موجودی صاحب حق  
 دانسته و مبنای این اصل را دستگاه آفرینش  
 و خلقت می‌داند، و بر این اعتقاد است که  
 خداوند استعدادهایی را در انسان به ودیعه  
 گذاشته که هر کدام از آنها مبنای حق  
 طبیعی است و از این منظر عدالت یعنی  
 اینکه هر صاحب حقی به تمام حقوق خود  
 دست پیدا کند. البته برای توضیح این تعریف  
 باید به تبیین مفهوم حق پرداخت. گر چه  
 بحث این که انسان چگونه و از کجا صاحب  
 حق می‌شود تا دستیابی به آن عدالت و عدم  
 دستیابی به آن ظلم و بی‌عدالتی تلقی گردد،  
 بحث دیگری خارج از موضوع بحث فعلی  
 است.

### ۳-۱-۲- عدالت اقتصاد اسلامی یعنی نبودن فقر و نیاز مادی در جامعه

عدالت توزیعی یعنی توزیع درآمد ملی  
 بین دریافت‌کنندگان آن (توزیع شخصی)<sup>۹</sup>  
 درآمد به گونه‌ای که فقر و نیازمندی در  
 جامعه نباشد. در بینش اسلامی، وجود فقر و  
 نیاز مادی با عدالت مورد نظر سازگاری ندارد

من عبادہ سبعین سنه قیام لیلها و صیام  
 نهارها»، یعنی یک ساعت اجرای عدالت بهتر  
 است از هفتاد سال عبادت. همه شب‌هایش  
 نماز و همه روزهایش روزه (حکیمی، ۱۳۷۴،  
 ص ۳۲۵). در مذهب تشیع عدالت بسیار  
 پررنگ‌تر از سایر مذاهب و یکی از اصول  
 پنجگانه آن عدل است و شاید به دلیل همین  
 توجه خاص به عدالت است که شیعه امامیه  
 را "عدلیه" نیز گفته‌اند. (مجتبایی، ۱۳۷۹،  
 ص ۱۸)

### ۳-۱-۱- ابعاد اقتصادی عدالت اسلامی

#### ۳-۱-۱-۱- عدالت اقتصاد اسلامی یعنی استفاده بهینه از منابع و امکانات

عدالت از قدیم‌الایام در این مفهوم مورد  
 استفاده بوده و معروف است که «وضع الشيء  
 فی موضعه الذی ینبغی له» یعنی عدالت  
 استفاده از شیء در موردی است که شایسته  
 و سزاوار آن است. از امام علی (ع) این  
 مضمون با عبارتی کلی‌تر نقل شده است:  
 «العدل یضع الامور مواضعها»، یعنی عدالت  
 قرار دادن هر چیز در موضع مناسب و بهینه  
 خود می‌باشد و مولانا با الهام از این معنا  
 گفته است.

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعی

ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعی

و عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام یعنی عدم وجود هر نوع فقر و بدبختی. از دیدگاه اسلام فقر پدیده‌ای است غیر الهی و شیطانی و به تعبیر قرآن «الشيطان يعدكم الفقر و يأمرکم بالفحشاء والله يعدک مغفره منه وفضلا والله واسعٌ علیکم» (سوره بقره، آیه ۲۶۸)، شیطان وعده فقر و امر به فحشا می‌کند و خداوند وعده آمرزش و فضیلت و خداوند گشایش دهنده و آگاه به امور است.

به گفته حکیمی (۱۳۷۶) اسلام از آغاز به آثار گوناگون و شوم فقر توجه داده، و احادیث فراوانی در این باره در مدارک معتبر اسلامی رسیده است تا جایی که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود «کاد الفقر ان یکون کفرا» و یا «من لا معاش له لا معاد له» که فقر معادل کفر است و یا آن که معاشش تأمین نباشد، نمی‌توان اعتقاد به معادش را باور داشت و در حدیث دیگری با مضمون مشابه از پیامبر اکرم نقل شده است که «لولا رحمه ربی علی فقراء امتی کاد الفقر ان یکون کفرا»، یعنی اگر رحمت و شفقت پروردگرم بر فقراى امتم نبود، نزدیک بود که فقر به کفر تبدیل گردد. (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۷۴)

و یا در دعای دیگری فرمود که «اللهم بارک لنا فی الخبر و لاتفرق بیننا و بینه

فلولا الخبز ماصلینا و لاصمنا و لا ادینا فرائض ربنا»، یعنی خداوندانان را برای ما با برکت قرار داده، و میان ما و نان جدایی میندازد، زیرا اگر نان نباشد، نه می‌توانیم نماز بگذاریم، نه روزه بداریم و نه دیگر واجبات الهی را انجام دهیم.

با توجه به نکات فوق و اینکه یکی از مبانی اصلی اقتصاد اسلامی عدالت است و با کنار هم قرار دادن آیات و روایات فوق می‌توان نتیجه گرفت که یکی از شاخصه‌های اصلی عدالت اقتصادی در جامعه نبودن فقر در آن جامعه است. بنابراین سیاست‌هایی که به کاهش فقر کمک نماید و با مبانی مکتبی سازگار باشند، در واقع در راستای عدالت اقتصادی اسلامی هستند.

### ۳-۱-۳- عدالت اقتصادی اسلامی یعنی عمران، آبادی و توسعه

بنا به فرموده امام کاظم (ع)، «لو عدل فی الناس لاستغنوا»، اگر در میان مردم به عدالت رفتار می‌شد، همه بی‌نیاز می‌شدند (حکیمی، ۱۳۷۶، ص ۶۱) و به نقل از امام صادق (ع)، «ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم»، یعنی اگر در میان مردم عدالت حاکم گردد، مردم بی‌نیاز خواهند شد. محمدرضا حکیمی (۱۳۷۶) در پاسخ به این پرسش که عدالت در اسلام به چه معنی

## ۴- توجه به عدالت در قانون اساسی

در بند دوازده اصل سوم قانون اساسی آمده است « پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیر بیمه». در بند چهارم نیز «تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از مرد و زن، ایجاد امنیت غذایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و در بند نهم «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها» مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل چهاردهم بار دیگر از قسط و عدل سخن به میان آمده و دولت و مسلمانان را موظف ساخته تا حتی نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل رفتار و حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند. «اصل بیست و هشتم می‌گوید «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز شغل ایجاد کند». در اصل بیست و نهم «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری و ...» و در اصل سی‌ام «آموزش و پرورش رایگان برای همه

است؟ با استناد به احادیث منقول از امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که عدالت همان است که فقر نباشد و مردم از معیشت و زندگی به استغناء و بی‌نیازی برسند.

از امام علی(ع) نقل شده است که «ما عمرت البلدان به مثل العدل» (آمدی، بی تا، ص ۲۴)، یعنی هیچ چیز مانند عدالت عمران و آبادی به ارمغان نمی‌آورد. به عبارت دیگر شرط لازم و کافی برای توسعه و آبادانی عدالت است.

در اسلام، تقوا نقطه اوج کمال انسانی است و نزدیک‌ترین راه رسیدن به تقوا عدالت معرفی شده است (اعدلوهو اقرب للتقوی). و بر اساس تعالیم اسلامی اگر در جامعه اسلامی ایمان و تقوا حاکم گردد، عمران، آبادانی و توسعه به معنای واقعی کلمه تحقق خواهد یافت.

این وعده خداست که «ولو ان اهل القرى آمنو و التقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» (آیه ۹۶ سوره اعراف) از این آیه استفاده می‌شود که اگر مردم ایمان و تقوا داشته و از مواهب و امکانات الهی به درستی استفاده کنند، نزول برکات الهی شده و موجب گشایش در زندگی مادی و بهبود وضع معیشتی آنها فراهم خواهد شد.

ملت تا پایان دوره متوسطه» و در اصل سی و یکم «داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی» دانسته است.

#### ۴-۱- تفکیک بخش‌های قانون اساسی با دغدغه اجرای عدالت

به طوری که اشاره شد، قانون اساسی در اصول مختلف خود به مسئله عدالت و جلوه‌های مختلف آن توجه داشته است، به‌ویژه در اصل چهل و سوم که ریشه کن کردن فقر و محرومیت، تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه ..... و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل" مطرح شده است. ظاهراً برای تحقق این اهداف عادلانه، در اصل بعدی «نظام اقتصادی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی» پایه‌گذاری گردیده است.

مذاکرات مجلس خبرگان به هنگام طرح این اصل تماماً حاکی از دغدغه‌های نمایندگان به منظور تحقق عدالت اقتصاد اسلامی از یک‌طرف و برداشت‌های متفاوت نمایندگان از عدالت از طرف دیگر باشد و با توجه به جو انقلابی حاکم در آن زمان، نهایتاً در آنچه به تصویب رسید، "کلیه صنایع

بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت" قرار گرفت.

بخش تعاونی به‌صورت شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع شهر و روستا که بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل شده باشد، تعریف گردید و آن قسمت از فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی باشد، به بخش خصوصی واگذار شد

تصویب این اصل به ترتیب فوق حاکی از طرز تفکری است که دولت را عامل تعیین کننده در اجرای عدالت می‌داند، هرچند در پایان اصل ۴۴ مقرر گردید که تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین خواهد کرد و متأسفانه این وعده یعنی تعیین ضوابط، قلمرو و شرایط بخش‌های سه‌گانه بیش از سی سال است که هنوز جامه عمل به خود نپوشیده است.

البته نگرانی از اجرای عدالت در پایان این اصل پیداست، زیرا گفته شده که مالکیت

در هریک از این سه بخش تا جایی محترم و مورد حمایت است که چهار شرط زیر را به همراه داشته باشد:

- مغایر با سایر اصول فصل اقتصادی قانون اساسی (فصل چهارم) نباشد؛
- در چارچوب اسلام باشد؛
- موجب رشد و توسعه اقتصاد کشور گردد؛
- مایه ضرر و زیان جامعه نباشد.

به طوری که ملاحظه می شود، گرچه مستقیماً اشاره ای به عدالت نشده، ولی واقعیت آن است که موارد برشمرده از مصادیق عدالت اسلامی است.

در اقتصاد مباحث مربوط به عدالت جزو بحث برانگیزترین قسمت های اقتصاد است و برای سؤالاتی از قبیل اینکه اقتصاد بازار و یا اقتصاد دولتی کدام یک با عدالت سازگاری بیشتری دارند؟ و آیا یارانه های مختلف در جهت تحقق آرمان عدالت است و یا ناسازگار با آن؟ و آیا سیاست های رشد محور با سیاست های عدالت محور تا چه اندازه سازگارند؟ از جمله سؤالاتی هستند که از منظرهای مختلف پاسخ های متفاوتی برای آنها قابل تصور است.

واقعیت آن است که در خصوص سازگاری بخش دولتی، بخش خصوصی و یا

بخش تعاونی با عدالت اقتصاد اسلامی، باید گفت هریک از سه بخش می تواند سازگار و یا ناسازگار با عدالت مورد نظر اقتصاد اسلامی باشد، بسته به اینکه در عمل چگونه اجرا شود و تا چه اندازه با مؤلفه های مورد نظر اقتصاد اسلامی سازگاری داشته باشد. ولی واقعیت آن است که در عمل به دلایل مختلف و از جمله:

- وابستگی شدید اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی که منحصراً در اختیار دولت بود و از این طریق قدرت اقتصادی فراوانی را در اختیار داشت.
- شرایط جامعه و دنیا در اواخر دهه هفتاد و نفوذ افکار رادیکال و وجود جناح هایی در جامعه که رشد بخش خصوصی را با عدالت اسلامی سازگار نمی دانستند.
- شرایط خاص انقلاب که انتظارات مردم از دولت به شدت افزایش یافته بود.
- فرار سرمایه داران از کشور و لزوم اداره واحدهای اقتصادی که قبلاً توسط آنها اداره می شد.

و عوامل متعدد دیگری که در این مقاله مجال پرداختن به آنها نیست، موجب شد

بخش دولتی در مقایسه با دو بخش دیگر اقتصاد بیش از حد رشد نماید، به طوری که بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حجم دولت در حال حاضر نسبت به سال ۱۳۵۷، حدود چهار برابر شده است.

با توجه به عوامل فوق و دخالت بیش از حد دولت در مسایل مربوط به تخصیص و توزیع، از یک طرف موجبات افزایش هرچه بیشتر تصدی‌گری‌های بیشتر دولت و در نتیجه ایجاد دولتی بزرگ با کارایی اندک و از طرف دیگر موجبات وابستگی بیشتر بخش‌های خصوصی و تعاونی به ویژه از ناحیه کسب درآمدهای ارزی به دولت را فراهم نمود، و به این ترتیب توزیع درآمد و ثروت نیز تحت تأثیر وابستگی به منابع ارزی و عموماً رانته‌های مختلف ناشی از بخش دولتی، عدالت اقتصادی در مفاهیم سه گانه آن مورد تهدید جدی قرار گرفت.

از طرف دیگر با خاتمه جنگ تحمیلی و کاهش تدریجی قدرت خرید و درآمدهای نفتی و محدودیت‌های مالی دولت برای اداره و تصدی‌های مختلف خود و عملکرد نامطلوب اقتصادی بسیاری از شرکت‌های دولتی و رواج برنامه‌های تعدیل ساختاری، ضرورت تغییر در شیوه مدیریت اقتصاد کشور را ضروری

ساخته بود. از این رو سیاست خصوصی‌سازی با هدف ارتقای کارایی (یعنی عدالت در مفهوم اول) به عنوان یک سیاست مهم در تدوین برنامه‌های اقتصادی اجتماعی کشور مورد توجه و لایحه خصوصی‌سازی در برنامه اول توسعه مورد تصویب قرار گرفت و عملاً دولت از اوایل سال ۱۳۷۰ با انتشار یک بیانیه رسمی (مصوبه شماره ۵۲۸۳/۱۰۹ هـ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۹) اهداف، دامنه، اولویت، مراحل و روش‌های خصوصی‌سازی را اعلام نمود. در این بیانیه ضمن ارائه روش‌های مختلف واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی مقرر شده بود تا به کارکنان واحدها و با ساز و کار اجرایی خاص یک سوم سهام قابل واگذاری، واگذار گردد.

تأکید بر خصوصی‌سازی در برنامه‌های دوم و سوم و چهارم نیز ادامه یافت، ولی عملاً خصوصی‌سازی با توفیق چندانی همراه نبود. عدم توفیق خصوصی‌سازی دلایل متعددی دارد که بحث آنها خارج از موضوع مقاله حاضر است، ولی بسیاری بر این عقیده بودند که در عمل و اجرا به دلیل تعارضات اساسی با مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی‌سازی با توفیق همراه نبوده است. از این رو و به منظور خروج از بن بست و پیدا کردن راه حلی برای اجرای عدالت، تفسیر و



تبیین اصل ۴۴ قانون اساسی در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و در نهایت موجب تهیه و تدین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ گردید.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با توجه به ذیل اصل ۴۴ و مفاد اصل ۴۳ که در جهت تحقق عدالت اقتصادی است، با اهداف هشتگانه زیر تنظیم و ابلاغ شده است:

۱. شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی؛
۲. گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی؛
۳. ارتقاء کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری؛
۴. افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی؛
۵. افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی؛
۶. کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی؛
۷. افزایش سطح عمومی اشتغال؛

۸. تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.

## ۵- اجرای عدالت به شیوه سهام عدالت

هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۹ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، آیین نامه اجرای توزیع سهام عدالت را در ۱۳ ماده تصویب کرد. بر اساس این آیین نامه، طی چند مرحله سهام شرکت‌های دولتی به دهک‌های پایین درآمدی با پنجاه درصد تخفیف واگذار شده و بهای آن به صورت اقساطی و از محل سود این سهام در طول ۱۰ سال دریافت می‌گردد. این کار توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری (سهامی خاص) که در مرکز هر استان و شرکت‌های تعاونی سهام عدالت که در هر شهرستان تشکیل می‌شوند و تحت مدیریت و نظارت سازمان خصوصی‌سازی انجام می‌گیرد.

## ۵-۱- فرآیند اجرایی برنامه توزیع سهام عدالت

براساس مصوبات هیأت وزیران و ستاد مرکزی سهام عدالت، فرآیند اجرایی برنامه توزیع سهام عدالت را می‌توان به چهار مرحله اصلی:

- فروش اقساطی سهام شرکت‌های دولتی به شرکت کارگزاری سهام عدالت،
- فروش اقساطی سهام شرکت کارگزاری سهام عدالت به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی،
- فروش اقساطی سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و
- واگذاری سهام شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی به مشمولان طرح تقسیم کرد. که با توجه به مستندات موجود در هر قسمت توضیحات مختصری ارائه خواهد شد.

#### مرحله اول: واگذاری سهام شرکت‌های مشمول برنامه به شرکت کارگزاری سهام عدالت

در این مرحله پس از تصویب فهرست و میزان سهام قابل واگذاری شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت مشمول برنامه توزیع سهام عدالت توسط هیأت وزیران، شرکت‌های مادر تخصصی مکلف‌اند وکالت فروش سهام متعلق به خود و همچنین اطلاعات لازم به منظور ارزیابی وضعیت شرکت و قیمت‌گذاری آن را

به سازمان خصوصی‌سازی ارائه دهند. پس از آن سازمان خصوصی‌سازی قیمت پایه سهام قابل واگذاری را براساس آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران و پس از اخذ مصوبه هیأت عالی واگذاری، از طریق بورس اوراق بهادار تعیین می‌نماید.

در این مرحله سازمان خصوصی‌سازی به قائم‌مقامی سهامداران دولتی شرکت‌های مشمول واگذاری درصدی از سهام شرکت‌های مشمول را به عنوان سهام عدالت، از طریق انعقاد قرارداد فروش سهام شرکت‌های مزبور با شرکت کارگزاری سهام عدالت می‌نماید. میزان سهامی که در این مرحله منتقل می‌شود، متناسب با میزان سهام مشمولان ثبت نام شده نهایی در تعاونی‌های عدالت شهرستانی در کل کشور خواهد بود.

#### مرحله دوم: واگذاری سهام شرکت کارگزاری سهام عدالت به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی

در این مرحله سازمان خصوصی‌سازی که سهام شرکت کارگزاری سهام عدالت را در وثیقه گرفته، با انعقاد قراردادی با شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، اوراق سهام شرکت کارگزاری را به میزان متناسب با مبلغ سهام مشمولان ثبت نام شده نهایی در هر استان

ثبت نام شده هر شهرستان، اقدام به افزایش سرمایه شرکت تعاونی شهرستان می‌کنند.

طبق اطلاعات مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی سهام عدالت ([www.vase.ir](http://www.vase.ir)) در ۳۰ استان کشور جمعاً ۳۰ شرکت سرمایه‌گذاری استانی و ۳۳۷ شرکت تعاونی عدالت شهرستانی به ثبت رسیده است.

### مرحله چهارم: واگذاری سهام شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی به مشمولان طرح

پس از آماده‌سازی و احصای کامل تمام اسامی هر مرحله از مشمولان به تفکیک تعاونی‌های هر شهرستان، اسامی مورد نظر به عنوان سهامداران تعاونی تلقی می‌شود و معادل هر نفر پنج میلیون ریال و تا سقف هر خانوار ۵ نفر، سهام عدالت (سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستان) دریافت می‌کنند.

مشمولان طرح توزیع سهام عدالت براساس مصوبه دولت عبارت‌اند از دو دهک جمعیتی کشور که واجد افراد یا خانوارهایی با پایین‌ترین میزان درآمد هستند. طی شش ماهه اول سال جاری این‌گونه افراد بر مبنای کد ملی شناسایی می‌شوند و بانک اطلاعاتی مربوط در سازمان خصوصی‌سازی نهایی می‌شود

براساس مبلغ پنج میلیون ریال برای هر نفر در نظر می‌گیرد. در این مرحله سازمان خصوصی‌سازی که سهام شرکت کارگزاری سهام عدالت را در وثیقه گرفته، با انعقاد قراردادی با شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، اوراق سهام شرکت کارگزاری را به میزان متناسب با مبلغ سهام مشمولان ثبت نام شده نهایی در هر استان براساس مبلغ پنج میلیون ریال برای هر نفر، به صورت اقساط ده ساله بدون احتساب سود فروش اقساطی و با تخفیف ۵۰ درصد در ثمن معامله به شرکت‌های مزبور تحویل می‌دهد.

### مرحله سوم: واگذاری سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی

در این مرحله، شرکت سرمایه‌گذاری استان اوراق سهام خود را به میزان متناسب با مبلغ سهام مشمولان ثبت نام شده نهایی در هر تعاونی شهرستان به آنها تحویل می‌دهد و سهامداران شرکت‌های تعاونی شهرستان (نمایندگان مشمولان طرح با توجه به دو مرحله‌ای بودن مجمع عمومی تعاونی‌های شهرستانی)، مجمع عمومی شرکت تعاونی شهرستان را برگزار می‌کند و متناسب با میزان سهام مشمولان

هدف اساسی توزیع این سهام اجرای عدالت بین آحاد جامعه است، ولی در کنار آن اهداف دیگری از جمله خصوصی سازی و کاهش تصدی گری دولت، گسترش و توسعه بازار سرمایه، ترویج فرهنگ سهامداری نیز مطرح می گردد

## ۵-۲- سابقه واگذاری سهام واحدهای دولتی در کشور

گرچه تجربه واگذاری مالکیت سهام واحدهای تولیدی به کارگران به قبل از انقلاب بر می گردد، ولی بعد از انقلاب نیز اقداماتی چند در این زمینه انجام گرفته است، از جمله:

- سهم کردن کارگران در مالکیت واحدهای تولیدی بر اساس قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی؛
- تصویبنامه شماره ۵۲۸۳/ت/۱۰۹/ها مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۹ هیئت وزیران در خصوص واگذاری سهام به کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی؛
- انجام اقدامات اجرایی واگذاری سهام به کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی در اجرای تبصره ۳ ماده ۶ قانون نحوه واگذاری

سهام دولتی و متعلق به دولت به ایشارگران و کارگران مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۲ مجلس شورای اسلامی؛

- در اجرای بند ج تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور، مسئولیت و تصدی دبیرخانه کمیته تبصره مذکور از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ به عهده سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی محول گردید.

- به موجب ماده ۱۵ قانون برنامه سوم توسعه اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تغییر کرد و نام آن به سازمان خصوصی سازی تبدیل شد و هدف آن واگذاری سهام شرکت های دولتی و متعلق به دولت ذکر شده است.

متأسفانه در این زمینه، نه قبل انقلاب و نه بعد از انقلاب توفیق چندانی نصیب نشده و در صورت انجام تحقیقات علمی در خصوص دلایل عدم توفیق موارد مذکور می توان در جهت توفیق سهام عدالت سازوکار مناسب را تدارک دید.

## ۶- فرجام

به طوری که اشاره شد و تقریباً عموم اقتصاددانان مسلمان بر آن توافق دارند، عدالت اقتصادی یکی از مبانی اصلی اقتصاد اسلامی است، علاوه بر آنکه امروزه شکاف طبقاتی در همه کشورها از اصلی‌ترین چالش‌های حکومت‌ها محسوب می‌شود. به همین دلیل، برطرف کردن تبعیض، فقر و نابرابری‌های اقتصادی هدف بیشتر اقتصادهای دنیا بوده و بسیاری از حکومت‌ها برنامه‌های وسیعی برای برقراری عدالت اقتصادی تدارک دیده‌اند. در ایران نیز بی‌عدالتی یکی از معضلاتی بوده که مشکلات متعددی ایجاد نموده و از مدت‌ها قبل دولت‌ها به فکر چاره‌جویی موضوع برآمده‌اند و حتی سابقه واگذاری سهام کارخانجات دولتی به کارگران به قبل از انقلاب برمی‌گردد، ولی هیچگاه از واژه مقدس و ارزشی عدالت برای این منظور استفاده نشده است. دولت نهم برای اولین بار این واگذاری‌ها را تحت عنوان توزیع سهام عدالت و ذیل شعار عدالت محوری و در جهت اجرایی کردن عدالت اسلامی مطرح کرده و به اجرا درآورده است.

برخی از اشکالات و ابهاماتی که در این طرح، عادلانه بودن آن را زیر سؤال می‌برد، عبارت‌اند از:

۱. واگذاری سهام به قیمتی کمتر از قیمت بازار و به اقساط ۲۰ ساله یعنی واگذاری اموال دولتی متعلق به بیت‌المال به قیمتی کمتر از قیمت واقعی، برخلاف عدالت مورد نظر طرح می‌باشد.

۲. نحوه شناسایی صحیح و عادلانه مضمولان طرح سهام عدالت که اعضای تعاونی‌های عدالت شهرستانی خواهند بود، مشخص نیست.

۳. تعیین و تشخیص افرادی که باید در دریافت این‌گونه سهام در اولویت قرار بگیرند، یعنی قشر کم درآمد و فقیر جامعه، کار مشکلی است و تاکنون انجام این کار برای سایر مقاصد مشابه امکان پذیر نبوده، زیرا ضعف و کمبود آمار و اطلاعات در کشور، انجام چنین کاری را دشوار نموده است. به فرض تعیین و تشخیص گروه‌های فقیر، چگونگی تعیین سهم عادلانه

- افراد از سهام مذکور نیز کار ساده‌ای نیست.
۴. چگونگی مدیریت عادلانه سهام و راهبری شرکت‌های مشمول طرح توسط شرکت کارگزاری سهام عدالت دارای ابهامات فراوانی است.
۵. نحوه ساماندهی مشمولان طرح سهام عدالت توسط تعاونی‌های شهرستانی و چگونگی اداره این تعاونی‌ها با توجه به معنا و مفهوم متعارف شرکت تعاونی معلوم نیست.
۶. در این طرح پیش بینی شده است که خریداران از محل سود سهام خود، بدهی خود را به دولت بپردازند. حال در وضعیت موجود که اکثر شرکت‌ها یا زیان‌ده بوده و یا سود قابل توجهی ندارند و ممکن است با واگذاری و قطع حمایت‌های دولت وضع بدتر هم بشود، تکلیف چگونه خواهد بود. اگر دولت بخواهد فقط شرکت‌های سودده را واگذار نماید، در این صورت یک بی‌عدالتی بین گروه‌های اولیه که سهام شرکت‌های سودآور را به دست
- آورده‌اند و گروه‌های بعدی که سهام شرکت‌های با سوددهی پایین و یا زیان‌ده را به دست می‌آورند، به وقوع خواهد پیوست .
۷. با توجه به اینکه این سهام بین دهک‌های پایین جامعه توزیع می‌شود و از آنجا که نیازهای مصرفی این قبیل خانوارها تأمین نشده و یکی از ویژگی‌های اصلی این گروه آن است که میل نهایی به مصرف بالا و ضریب رجحان زمانی بسیار پایینی دارند و برای مصرف در زمان حال ارزشی به مراتب بیش از مصرف برابر در زمان آینده قائل‌اند، اولاً دارندگان سهام عدالت به احتمال زیاد راهی پیدا نموده و سهام خود را برای ارضای نیازهای مصرفی خود خواهند فروخت .
۸. نمی‌توان برای افراد به اجبار مالکیتی ایجاد نمود که توانایی نگهداری و اداره آن نوع مالکیت را ندارند. برای بخش عمده‌ای از این اقشار، ارزش ریالی سهام در تابع مطلوبیتشان بیش از مالکیت سهام است. بنابراین این نوع واگذاری

درصد از سهام شرکت‌های قابل واگذاری را در اختیار خواهد داشت و به این ترتیب در صورت تکمیل اجرای طرح، شاهد پیدایش نوع جدیدی از شرکت‌های به واقع دولتی با عناوین متفاوت تعاونی و خصوصی مربوط به سهام عدالت خواهیم بود.

۱۱. تجربه‌های ناموفق کشورهای مختلف، و اثرات سوء تجربه کوپن سهام بر توزیع درآمد در کشورهای اروپای شرقی دلیل دیگری است که نمی‌توان به نتیجه طرح در جهت توسعه عدالت اجتماعی امیدوار بود.

۱۲. از آنجا که رفع فقر به صورت پایدار جز با ایجاد اشتغال و افزایش تولید میسر نیست، واگذاری این سهام و سود ناچیز آن نمی‌تواند بر اشتغال‌زایی و رشد که معمولاً از اهداف اصلی اقتصاد کلان است، تأثیری داشته باشد.

۱۳. از آنجا که سهام عدالت به اقشار خاصی از جامعه تعلق می‌گیرد و در واقع این منابع مربوط به تمامی آحاد جامعه است و نیز با توجه به

سهام تخصیص بهینه نیست و طبق ضوابط عدالت اسلامی عادلانه نخواهد بود.

۹. برای برخی از افراد فرصت طلب زمینه رانت‌خواری فراهم می‌شود. این افراد با آنکه ممکن است مشمول این سهام نباشند، ولی با استفاده از رانت حاصله به سودهایی دست می‌یابند که نتیجه کار و تلاش آنان نیست و این خود نوعی بی‌عدالتی است.

۱۰. ساختار اجرایی گسترده و پیچیده‌ای برای این طرح لازم است که خود با هدف کوچک کردن اندازه دولت تعارض داشته و می‌تواند موجب رشد بیشتر اندازه دولت گردد. در این طرح پیش‌بینی شده که در بهترین حالت فقط ۴۰ درصد سهام شرکت‌های واگذار شده، در بورس، به مزایده گذاشته شود و ۴۰ درصد آن به سهام عدالت اختصاص یابد و ۲۰ درصد مابقی نیز در دست دولت باقی خواهد ماند. از آنجا که مجری، ناظر و متولی سهام عدالت، دولت است، می‌توان گفت دولت ۶۰

اینکه این طرح فقط یکبار در کشور اجرا می‌گردد و در آینده، خانوارهای بسیاری در دهک‌های پایین قرار خواهند داشت، تکلیف آنها چه می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا در زمان حاضر توزیع این سهام کفایت لازم برای تحت پوشش قرار دادن همه واجدین شرایط را دارد؟ ۱۴. اجرای این طرح می‌تواند به دلیل تأثیر هر چند اندک بر درآمد و ثروت خانوار دریافت‌کننده سهام موجب افزایش تقاضای مصرفی آنان شده و به دلیل عدم افزایش تولید کالاها و خدمات باعث تشدید تورم گردد که از آفات مهم و مخل عدالت در جامعه خواهد بود.

۱۵. نظر به اینکه در نتیجه اجرای این طرح و با لحاظ هزینه‌های اجرایی آن و محروم ماندن دولت از سود سهام شرکت‌های واگذار شده، کسری بودجه دولت تشدید شده و این امر نیز می‌تواند اثرات تورمی داشته باشد.

۱۶. به دلیل مشکلات طرف عرضه در اقتصاد در ایران هر نوع تحریک تقاضا بدون در نظر گرفتن جنبه

عرضه، می‌تواند سطح عمومی قیمت‌ها را بیش از درآمدها افزایش دهد و منجر به تورم کاهش درآمد ملی جامعه به قیمت ثابت گردد.

۱۷. گفته می‌شود که سهام توزیعی به شکل سبد توزیع می‌گردد و نه تک سهم و سبدهای مزبور نیز به شرکت‌های تعاونی سرمایه‌گذاری سپرده می‌شود و مالک سبد مزبور عملاً سهامدار آن شرکت خواهد شد. در این صورت تهیه سبدهای یکسان و هم ارزش با بازده یکسان کاری بسیار مشکل و چه بسا غیر ممکن است، که شاید یکی از نتایج اجتماعی و روانی آن ایجاد نوعی نارضایتی بین دریافت‌کنندگان این‌گونه سبدها باشد.

۱۸. با توجه به اینکه اغلب شرکت‌های دولتی از نوع سهامی خاص می‌باشند، برای عرضه سهام آنها به عموم باید تغییر ماهیت دهند و به سهامی عام تبدیل شوند که این خود مستلزم طی تشریفات قانونی از جمله تجدید ارزیابی دارایی‌های آنهاست که خود این امر زمان‌بر و هزینه‌بر است. از طرف دیگر



عدالت نیز ارائه نشده است و بررسی تفصیلی هر یک از این موارد می‌تواند موضوع مقالات مستقلی باشد.

در خاتمه با توجه به مفهوم ارزشی عدالت در اقتصاد اسلامی و اینکه عدالت یکی از مبانی اصلی اقتصاد اسلامی است و با توجه به سابقه سوء استفاده و از اعتبار انداختن نهادهای ارزشی اسلامی همچون شرکت‌های مضاربه‌ای در اوایل انقلاب و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه در سال‌های اخیر، چه خوب بود که نام دیگری برای این سهام، انتخاب می‌شد تا موجب بی اعتباری این رکن رکین اقتصاد اسلامی فراهم نمی‌گردید.

### پانوشتها

۱. درباره مفهوم عدالت نزد افلاطون و ارسطو علاوه بر مأخذ قبلی ( McPherson 1987 ) می‌توان به کاتوزیان (۱۳۷۶) و ژرژول و کیو، عدالت - حقوق - دولت مطالعات فلسفه و حقوق می‌توان مراجعه نمود.
۲. برگرفته از ترجمه قطعه دوم مقاله عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلایی که توسط آقای مصطفی ملکیان انجام گرفته شد: نقد و نظر، شماره‌های ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۷۶، صص ۹۱ - ۹۰.

براساس قانون تجارت، سهامداری که خرید سهام شرکتی را تعهد می‌کند، حداکثر باید تا پنج سال تمام تعهد خود را تأدیه نماید، در حالی که در این طرح تا ۲۰ سال مهلت داده شده است.

۱۹. توزیع سهام بدین شکل به هیچ وجه، فرهنگ سرمایه‌گذاری و سهامداری را توسعه نمی‌دهد، زیرا فرهنگ سرمایه‌گذاری شامل چرخه ایجاد پس‌انداز و سپس ورود داوطلبانه و آگاهانه پس‌اندازها در بازار سرمایه است، در حالی که در این طرح خبری از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیست.

۲۰. این طرح نه تنها باعث متکی به خود شدن خانوارها نمی‌شود، بلکه از یک منظر، روحیه چشم به دست دولت داشتن را نیز تقویت می‌کند.

۲۱. دلایل قانع کننده‌ای برای سایر محسناتی که برای سهام عدالت می‌شمرند، از جمله خصوصی سازی، افزایش سهم بخش تعاون، ترویج فرهنگ سهامداری، افزایش کارایی بنگاه‌های دولتی و سایر اهداف ذکر شده برای سهام

## منابع فارسی

۱. قرآن کریم
  ۲. نهج البلاغه
  ۳. آمدی، عبدالواحد ابن محمد(۱۳۶۶)، *غررالحکم* و *دررالكلمه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۴. ارسطو(۱۳۷۱)، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
  ۵. افلاطون (۱۳۴۸)، *جمهور*، ترجمه فئواد روحانی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
  ۶. بختیاری، صادق (۱۳۷۹)، *عدالت و توسعه در اقتصاد اسلامی، فصلنامه انقلاب اسلامی*، دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره چهارم.
  ۷. برایان مگی(۱۳۷۴)، *مردان اندیشه*، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات طرح نو.
  ۸. توسلی، حسین(۱۳۷۶)، *مبنای عدالت در نظریه جان راولز، نقد و نظر*، سال سوم، شماره دوم و سوم.
  ۹. حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶)، *تعریف "عدالت" از زبان امام صادق (ع)، نقد و نظر*، سال سوم، بهار و تابستان.
  ۱۰. .... (۱۳۷۴)، *الحیات*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
  ۱۱. راولز، جان(۱۳۷۶)، *عدالت و انصاف*، و *تصمیم گیری عقلانی*، ترجمه مصطفی ملکیان، *نقد و نظر*، سال سوم، شماره های دوم و سوم.
  ۱۲. صدر، محمد باقر(۱۳۴۹)، *اقتصاد ما*، بررسی هایی درباره *مکتب اقتصادی اسلام*، جلد دوم، ترجمه اسپهبدی، عیوضلو، حسین(۱۳۷۹)، *بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای "عدالت" و "کارایی" در نظام اقتصاد اسلامی*، پایان نامه دکترای اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
  ۱۳. غنی نژاد، (۱۳۷۶)، *مقدمه ای بر معرفت شناسی علم اقتصاد*، تهران مؤسسه عالی پژوهش در
- برنامه ریزی توسعه، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی.
  ۱۴. کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۷)، *فلسفه حقوق*، تهران، شرکت انتشار، ج اول.
  ۱۵. کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۶)، *حقوق و عدالت، نقد و نظر*، سال سوم، شماره دوم و سوم.
  ۱۶. گری، جان (۱۳۷۹)، *فلسفه سیاسی هایک*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات طرح نو.
  ۱۷. مایسون، کورا(۱۳۳۳)، *شرح حال، افکار و عقاید فیلسوف بزرگ یونانی سقراط*، ترجمه امیر حسین ظفر ایل خان بختیاری، تهران، انتشارات معرفت
  ۱۸. مطهری، مرتضی(۱۳۵۷)، *عدل الهی*، قم انتشارات حکمت.
  ۱۹. .... (۱۳۶۰)، *بیست گفتار*، قم، دفتر نشر اسلامی.
  ۲۰. ....، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، مک اینتایر، السدر(۱۳۷۶)، *عدالت و فضیلت*، ترجمه مصطفی ملکیان، *نقد و نظر*، سال سوم، شماره دوم و سوم.
  ۲۲. ناظرزاده کرمانی، فرناز(۱۳۷۶)، *اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی*، شرح نظریه مدینه فاضله *با تطبیق بر آرای افلاطون و ارسطو*، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
  ۲۳. نظری، حسن (۱۳۸۲)، *عدالت اقتصادی از نظر هایک و اسلام*، نامه مفید، شماره ۳۵.

## منابع لاتین

24. Guthrie, W. K.C(1960), *The Greek Philosophers: From Thales to Aristotle*, NewYork, Harperperennial.
25. Hayek, F. A. *The Constitution of Liberty*, University of Chicago Press.



26. Mc phorsan C. B ( 1998), *The Rise and Fall of Economic Justice in Economic Justice*, (eds) by Brosio Giorgio and Harold M. Hochman (eds) an Elgar Reference Collection, Cheltenham, Uk.
27. Rawls, Johan (1986), *A Theory of Justice*, Oxford University Press,